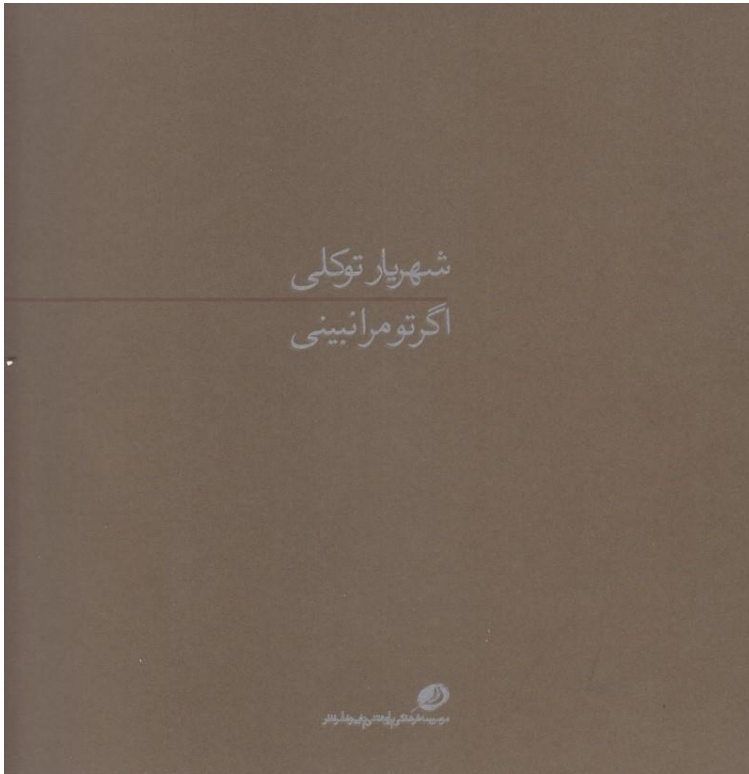


## یادداشتی بر کتاب عکس "اگر تو مرا نبینی"

احمد آبائی



یادداشت حاضر به بررسی کتاب "اگر تو مرا نبینی" مجموعه عکس‌های شهریار توکلی که توسط موسسه فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر در سال ۱۳۸۴ چاپ شده است می‌پردازد و نگارنده قصد دارد با رویگری فرمالیستی عکس‌های این مجموعه را مورد مطالعه قرار دهد.

### ۱. معرفی کلی اثر و مؤلف آن

"اگر تو مرا نبینی" کتاب عکسی در قطع خشتی (۲۲ × ۲۳ سانتیمتر) در ۱۴۰ صفحه گلاسه و با کیفیت مناسبی در سال ۱۳۸۴ توسط موسسه فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر در شمارگان ۱۰۰۰ نسخه به چاپ رسیده است. جلد کتاب نرم و صحافی می‌توانست بهتر باشد. توکلی نام کتاب را از قطعه شعری از رضا براهنی وام گرفته: "اگر تو مرا نبینی، من هم نمی‌بینم" که آنرا در مطلع اولین مجموعه کتاب آورده است. بجای توضیحات و بیانیه مشروح در آغاز کتاب، او ترجیح داده با دو عکس و نوشته‌ای کوتاه و خودمانی و از حسرت‌های دوری از عکاسی سخن بگوید: "حسرت‌خوارِ شب‌های رفته‌ای هستم که در خانه ماندم و خوابیدم و نرفتم به عکس گرفتن".

کتاب از ۵ بخش تشکیل شده است: اول، درخت، علف، سنگ؛ و آنطور که از اسمش پیداست مجموعه متشکل از ۲۵ عکس مربعی سیاه و سفید با موضوع گیاهان و سنگ‌هاست. چیدمان عکس‌ها در صفحات متفاوت است و عکس‌های گاهی تکی و گاهی به صورت جفتی در دو صفحه روبروی هم چینش شده‌اند و این روند در سراسر کتاب وجود دارد. هیچ عکسی توضیحی اضافه‌تر از مکان و سال عکسبرداری که در زیر آن آمده ندارد. بخش دوم، چراغ، با قطعه شعری از احمدرضا احمدی شروع می‌شود. گویا این قطعه شعر نیز مانند آن اولی قرار است تمام بار بیانیه هنرمند را به دوش کشد و آشنایی توکلی با ادبیات معاصر را به خوبی نشان می‌هد. این مجموعه شامل ۱۵ عکس سیاه سفید در قطع مربع و مستطیل - که گاهی عمودی و گاهی افقی هستند - می‌باشد. اطلاعات عکس‌ها کماکان محدود به مکان و سال عکسبرداری می‌شود مگر عکسی از یک تخت‌خواب ساده که در صفحه مقابل توضیح داده شده متعلق به پدر بزرگ عکاس است و دو سه هفته قبل از فوتش برداشته شده است. باز هم توضیحات توکلی به زبانی خودمانی و به دور از هرگونه تکلف است. بخش سوم، شب، مجموعه‌ای از ۲۳ عکس رنگی در قطع مربعی است که همگی در شب گرفته شده‌اند. باز مطلع مجموعه قطعه شعر نویی از شیوا ارسطویی است و در صفحه‌ی مقابل دو عکس این مجموعه هنرمند از علاقه خود به شب و حضور شبانه در شهرها و عکاسی شب گفته است. توکلی در سراسر کتاب آنقدر گزیده صحبت کرده و در سخن امساک نموده است که مخاطب برای شنیدن او سراپا چشم و گوش می‌شود. مجموعه چهارم، خانواده من، و بعد خدا را شکر. توکلی هیچ توضیح اضافی نمی‌دهد. فقط خدا را شکر کرده و خانواده‌اش را در ۱۶ قاب رنگی مربعی با بکگراند تیره به تصویر کشیده است. همه عکس‌ها در سال ۱۳۸۳ برداشته شده است. در تعدادی از عکس‌ها خودش حضور دارد، تنها یا در جمع خانواده، در موقیت‌های خودمانی و هرروزه: در حال خوردن، خوابیدن، سر یخچال رفتن. همانطور که دیگر اعضای خانواده‌اش را در موقعیت‌های اینچنینی قرار داده است. بخش پنجم، آسمان و زمین نام دارد متشکل از ۱۸ عکس رنگی با قاب مربعی با موضوعاتی از آسمان سرخ‌فام غروب، ستارگان سحرگاهی بر فراز کوه خاموش، موج‌های محو لب دریا، شاخه‌های محو در باد و... در صفحه مقابل عکس یک کوه، باز توکلی به زبان ساده خود چند جمله از خاطرات زندگی در فشم و همسایگی با آن کوه گفته است.

شهریار توکلی متولد ۱۳۴۸ در تهران است. تحصیلات خود در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد را در رشته عکاسی در دانشگاه هنر به پایان برده است. چندین نمایشگاه گروهی و انفرادی در داخل و خارج از کشور داشته است اما بیشتر به‌خاطر فعالیت مطبوعاتی و سردبیری فصلنامه هنرهای تصویری حرفه: هنرمند در عرصه هنری کشور شناخته می‌شود که بی‌وقفه از ۱۳۸۱ تا کنون چاپ شده است. از این بابت شاید کار او بی‌مانند باشد و این فعالیت مداوم در عرصه نظری هنرهای تصویری و عکاسی زمان او را برای حضور فعال‌تر در عرصه عکاسی می‌گیرد و چه بسا حسرتی که در ابتدای کتاب از آن یاد می‌کند حاصل همین مشغله در عرصه مطبوعات است.

## ۲. تحلیل درونی

کتاب "اگر تو مرا نبینی" بیش از هرچیز یک مجموعه شخصی است و متکی بر دید هنرمند است که در مجموعه‌های مختلف نظرگاه خویش به پیرامونش را نشان می‌دهد. این آزادی و بی‌قیدی عکاس نسبت به انتخاب موضوعات، قاب و رنگ عکس‌هایش مؤکد این مطلب است. او با سنگ‌ها، علف‌ها و درختان پیوند دارد. این سنگ‌ها شاید در جواهرده باشند یا تهران یا تنگه واشی، فرقی نمی‌کند، سنگ‌ها حاوی زیبایی هستند وقتی از دریچه دوربین توکلی دیده می‌شوند. درختان در تنهایی یک دشت یا در انبوده جنگلی در شهر نور باشند یا اطراف تهران برای او جذاب و آشنا هستند. دیدگان او به نور حساس است و نور سوسو کننده بر سر تیرکی تنها یا مهتابی گردی بی قاب توجه‌اش را جلب می‌کند. کوچه پس‌کوچه‌های شهرها وقتی نقاب تاریک شب بر آنها می‌گسترده برای او زیباست و دوربین‌ش را به سوی آنها می‌چرخاند. در اندک سطوری که لابه‌لای عکس‌ها نوشته است به آشنایی با کوچه‌ها، درخت‌ها، تیرهای چراغ اشاره می‌کند. چه بسا تمام موضوعات عکس‌های او در این کتاب آشنایان او هستند مثل آن کوه که در فشم همسایه‌اش بوده است و مثل خانواده‌اش.

## ۳. نقد و ارزیابی اثر

از دیدگاه فرمالیستی، کلیت این کتاب کمی شلخته و درهم و برهم است که شاید دلیلش مطالب بیان شده در سطور فوق باشد و اگر به‌طور مجزا به بخش‌های مختلف کتاب نگاه کنیم به نتیجه بهتری دست یابیم. در مجموعه اول، درخت، علف، سنگ، فرم کلی آثار در قطع مربع و تصویر سیاه‌وسفید بهم پیوند می‌خورند. عکس‌ها همگی دارای عمق میدان زیاد و وضوح حداکثری هستند. در بعضی عکس‌ها نور تابیده بر موضوعات مستقیم و سایه‌ها تند هستند و بطور متضادی بعضی عکس‌ها در نور تخت آسمان ابری یا پس‌زمینه مه‌آلود ثبت شده‌اند. نور و سایه‌ها برای نمایش باصلابت سنگ‌ها، ایستادگی درختان و بازیگوشی علف‌ها در هم ترکیب شده‌اند. در مجموعه دوم، چراغ، یک نور اسپات‌لایت (نقطه‌ای) در همه عکس‌ها مثل نخ تسبیحی است که عکس‌های این مجموعه را بهم وصل می‌کند. نور به عنوان ماده‌خام اصلی دیدن، سبب دیدن اشیاء و موضوعات با شکل‌ها و فرم‌های متنوع می‌شود، گردی یک سیب یا پیکر عمود تنه‌ی یک درخت در نور قابل دیدن هستند و در این مجموعه عکاسی خود نور و فرم‌های مختلف آن را برای عکاسی انتخاب کرده است و چراغ را به عنوان عامل دیدن که پدیده‌ای بدیهی شده است، به موضوع اصلی بدل می‌کند تا ضمن یادآوری اهمیت آن، چگونگی شکل‌بستن حالات مختلف چراغ و نورهایی ساطع شده از آن را به مخاطب نشان دهد. در مجموعه شب، ترکیبی از دو مجموعه اول و دوم و رنگ را شاهد هستیم. نورها در ترکیب با درختان، سنگ‌ها، ماشین‌ها و در فروپاشش خود بر سنگفرش خیابان‌ها، کرکره بسته مغازه‌ها، علف‌ها، گنبد‌ها، در ضیافت این احجام هندسی و رنگ به ترکیبات نویی منتهی می‌شوند. گویی هنرمند به سطح جدید از دیدن و ترکیبات بصری پیش پای مخاطب می‌گشاید و دیدگان تشنه او را با این فرم‌های جدید رنگی سیراب می‌کند. در مجموعه خانواده من، به یکباره به سطح جدیدی از ارتباطات فرمی وارد می‌شویم. وجود پس‌زمینه مشکی، عمق عکس‌ها را می‌گیرد و سوژه‌ها را مثل لکه‌های رنگی بر بوم قرار می‌دهد. در این عکس‌ها فرم بدن سوژه‌ها مثل ضرب‌های قلم‌مو به این سو و آن سو کشیده شده و نگاه را بر سطح

عکس بازی می‌دهد. در مجموعه آخر، *آسمان و زمین*، خط افق به تصاویر وارد می‌شود و مقسم تصاویر به تضادهایی دودویی می‌شود: تاریکی زمین و روشنایی آسمان، سکون آسمان و حرکت دریا، خاموشی کوه و سوسوی ستارگان و همه این‌ها ترکیبی منسجم شکل می‌دهند از یک کلیت که در تمام عکس‌های این مجموعه دیده می‌شود.

#### ۴. جمع بندی

در یادداشت حاضر، به طور اجمالی به کتاب عکس "اگر تو مرانبینی" پرداخته شد. ویژگی‌های ظاهری و صوری کتاب را برشمردیم و ضمن ارائه یک تحلیل درونی، به ارزیابی کتاب با رویکردی فرمالیستی نشستیم. به نظر نگارنده کتاب مذکور، اگر چه دغدغه‌های شخصی هنرمند را بازتاب می‌دهد دارای ارزش‌های زیباشناسانه‌ای است که آنرا واجد اهمیت هنری می‌نماید و از این جهت قابل توجه و بازخوانی است و تماشای عکس‌های این کتاب به هنرجویان، دانشجویان رشته‌های هنر و علاقمندان به عکاسی توصیه می‌گردد.